

بررسی رویکرد غرب به زنان در طرح خاورمیانه بزرگ

نویسندگان: دکتر مهدی بزرگ‌زاده*

مهدی زروندی**

چکیده

واقعه ۱۱ سپتامبر زمینه اجرای سیاست خاورمیانه‌ای محافظه‌کاران حاکم بر کاخ سفید را فراهم آورد، این سیاست بر دو پایه تغییر برخی رژیمهای منطقه از طریق «حمله پیشدستانه» و تغییر منطقه از طریق طرح خاورمیانه بزرگ می‌باشد. «اجرای این طرح حفظ برتری آمریکا و تأمین امنیت اسرائیل را با مدرنیزاسیون جهان اسلام یا دین‌سازی دنبال می‌نماید. این مقاله رویکرد غرب به زنان با توجه به نگاه فمینیستی آنان از نظر کنوانسیون (CEDAW) را بررسی می‌کند. سپس با بررسی وضعیت زنان در برخی کشورهای عربی و ایران بعد از انقلاب و غرب‌اهمیت، اهداف و امکان‌پذیری رویکرد آمریکا به جایگاه زنان در این منطقه را تشریح می‌کند.

کلید واژگان

طرح خاورمیانه بزرگ، زنان، غرب، فمینیسم، اشتغال، مشارکت اجتماعی.

* آقای دکتر مهدی بزرگ‌زاده عضو هیأت علمی دانشکده و پژوهشکده علوم دفاعی و امنیت ملی دانشگاه امام حسین (ع) است.

** آقای مهدی زروندی پژوهشگر دانشکده و پژوهشکده علوم دفاعی و امنیت ملی دانشگاه امام حسین (ع) است.

مقدمه

سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا در دوران بوش پسر بر دو پایه قرار گرفت.

۱- تغییر برخی رژیمهای منطقه از طریق حمله پیشگراانه

۲- تغییر منطقه از طریق اجرای طرح خاورمیانه بزرگ (باقری ۱۳۸۴-۹۶)

واقعه ۱۱ سپتامبر زمینه اجرای این سیاستها را فراهم نمود. از این رو نومحافظه‌کاران حاکم بر کاخ سفید بعد از حمله و تغییر رژیمهای افغانستان و عراق ارائه و اجرای طرح خاورمیانه بزرگ را از سه زاویه مورد توجه قرار دادند.

۱- خاورمیانه محل تعیین کننده نظام بین المللی آینده و عامل حفظ برتری آمریکا محسوب می‌شود.

۲- امنیت اسرائیل تأمین نمی‌شود، مگر آنکه در خاورمیانه تغییراتی رخ دهد.

۳- برای پیشگیری از جنگ تمدن‌ها، جهان اسلام باید مدرن سازی شود.

«دانیل پایپس» یکی از استراتژیستهای نومحافظه‌کار آمریکا، در این باره گفت «هدف نهایی جنگ با تروریسم باید مدرنیزه کردن اسلام یا به تعبیر وی، دین سازی باشد.» (مشهری دیپلماتیک - ۱۳۸۳) به گزارش پایگاه اینترنتی وزارت خارجه آمریکا، این طرح به منظور حمایت از تلاشهای اصلاح‌گرایانه، در خاورمیانه و ایجاد فرصت رقابت برای تمام مردم منطقه، بویژه زنان و جوانان، تهیه شده و بر چهار موضوع اقتصادی، سیاسی، آموزشی و امور زنان استوار است. در این طرح از یک سو با استفاده از آمار و ارقامی از وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشورهای خاورمیانه، بویژه کشورهای عربی، ((چاپ شده در روزنامه الحیات)) و مقایسه آنها با برخی از کشورهای دست دوم اروپایی، زیرکانه چهره‌ای فلاکت زده از کشورهای اسلامی را به تصویر کشیده‌اند. از سوی دیگر، دست آوردهای اجرای طرح را عینیت بخشیدن به کرامت و ارزشهای انسانی،

آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی فراگیر طبق بیانیه جهانی حقوق بشر برای کشورهای اسلامی اعلام کرده‌اند. این سؤال مطرح می‌شود که اگر تحقق ارزشهای مطرح شده در بیانیه جهانی حقوق بشر مورد نظر آنهاست، چرا تاکنون به آن نپرداخته‌اند؟ چرا این اقدام را با چند دهه تأخیر انجام می‌دهند؟ این طرفداران حقوق بشر حمایت‌های بیدریغ خود را از اغلب حکام و رژیمهای مرتجع منطقه که مسبب چنین وضعیتی هستند را چگونه توجیه می‌کنند؟ علاوه بر آن پیشنهاد دهنده و مدعی اصلی طرح، یعنی آمریکا، قبل از حمله به عراق با وعده‌هایی از جمله آزادی، امنیت، حقوق بشر، دموکراسی این کشور را اشغال کرد و تحقق عملی شعارهای آمریکا در آزادی، امنیت و حفظ کرامت انسانی اهدایی به ملت عراق، در زندانهای ابوغریب و در حملات شبانه به خانه مردم، کشتن و هتک حرمت زنان و کودکان بی‌پناه عراقی، بی‌حرمتی به مساجد و اماکن مقدسه عراق متجلی شد. آیا برآستی مواضع و عملکرد دیگر کشورهای عضو G8 به چه میزان پایبندی و صداقت آنان را در تحقق شعارهایشان اثبات و زمینه اعتمادسازی دیگر کشورهای خاورمیانه را برای همکاری و مشارکت در اجرای طرح خاورمیانه بزرگ فراهم آورده است. اگرچه دو متن تصویب شده در «سی آیلند»، که به ابتکار خاورمیانه بزرگتر و شمال آفریقا (BMENAI) مشهور شد، تعدیل شده‌تر از پیش‌نویس اولیه (GMEI) آن می‌باشد، در برخی موارد از جمله مسائل مربوط به زنان به لحاظ نگاه فمینیستی مشترک آمریکا و اروپا، تغییر عمده‌ای نداشته و اولویت بخشی به آموزش زنان و دختران، اشتغال، نقش‌پذیری و مشارکت اجتماعی زنان، مورد توافق جدی کشورهای صنعتی (G8) قرار گرفت. نگارندگان مقاله ضمن بررسی نقش زنان در طرح خاورمیانه بزرگ با رویکرد فمینیستی غرب به زنان و کنوانسیون (CEDAW) مقایسه‌ای بین زنان در برخی

از کشورهای عربی - اسلامی منطقه با وضعیت زنان در جمهوری اسلامی ایران و غرب انجام می دهند .

خاورمیانه کجاست ؟

واژه خاورمیانه از اصطلاحاتی است که پیرامون حدود آن بحثهای فراوانی شده و هنوز محدوده مشخصی که مورد اتفاق همگان باشد، برای آن تعیین نشده است. به طور کلی، این واژه را نخستین بار غربیان در مورد بخشی از شرق (خاور) به کار بردند و آن را به منطقه‌ای در آسیا که بین دو منطقه خاور دور و خاور نزدیک واقع شده است، اطلاق کردند. (خاورمیانه، ۱۳۶۹، صفحه ۱۱)

اصطلاح خاورمیانه را نخستین بار، یک نظریه پرداز استراتژیک به نام آلفرد ماهان در بخش راجع به استراتژی نیروی دریایی انگلیس در ارتباط با فعالیت روسیه در ایران و پروژه آلمانی احداث خط آهن برلین - بغداد به کار برد. منظور وی از خاورمیانه، منطقه‌ای بود که مرکز آن در خلیج فارس واقع می‌شود و برای اشاره به آن اصطلاحات خاور نزدیک و خاور دور کافی به نظر نمی‌رسید. چیرول خبرنگار روزنامه تایمز این اصطلاح را به عنوان مجموعه مقالاتی انتخاب کرد که درباره سرزمینهای واقع در مسیرهای غربی و شمال به

هند نوشته شده بود. (بیوت، ۱۳۶۹، ۱۱) «خاورمیانه در منطقه تقاطع آفریقا، آسیا و اروپا متمرکز شده است.»

نام خاورمیانه، حکایت از واقعیتی دارد که کسانی چون میشل فوکو آن را در رابطه با قدرت و گفتمان بخوبی بیان کرده‌اند. از نگاه فوکو، گفتمان براساس قدرت شکل می‌گیرد و در آن رابطه میان اشیا و نامگذاری‌ها تعیین می‌شود. برای مردم منطقه و دولتهای آن، این سرزمین مرکز دنیاست و لزومی ندارد در غرب، شرق یا جایی نسبت به آن باشد، در واقع تنها برای انگلستان و آمریکا است که این

سرزمین در خاورمیانه و در میان خاور دور و خاور نزدیک قرار گرفته است. (احمدی،

۱۳۸۴، ۳۴)

مجتهدزاده در این باره می‌گوید: خاورمیانه اصلاً وجود ندارد، این بحث آمریکایی است و ناشی از سیاستهای خود محوری آن است که خود را مرکز جهان معرفی می‌کند و بقیه را نسبت به خود می‌سنجد، هیچ‌جا خاور نیست و هیچ‌جا باختر نیست. برخی برای خاورمیانه، نام آسیای غربی یا آسیای جنوبی را به کار می‌برند که چون در پیوند با یک موقعیت جغرافیایی است، بسیار واقعی می‌نماید. باری بوزان معتقد است که کشورهای قبرس، سودان و شاخ آفریقا جزو خاورمیانه نیستند و افغانستان و ترکیه نیز حایل بین خاورمیانه و جنوب آسیا و اروپاست. (کرمی، ۱۳۸۴، ۷۹) آنچه در تمامی تعاریف آمده این که منطقه خاورمیانه بطور سنتی شامل کشورهای مسلمان عرب، ایران، ترکیه، افغانستان است. در گسترده‌ترین شکل، خاورمیانه از نظر جغرافیایی محدوده مراکش تا ایران را شامل می‌شود که شاید ترکیه و حتی پاکستان، افغانستان و آسیای مرکزی را بتوان در آن گنجانند. یکی از ویژگیهای بارز این منطقه آن است که بیشتر کشورهای آن عرب یا مسلمان سنی هستند. آنچه که طی سالهای پس از جنگ سرد به خاورمیانه بزرگ موسوم شده، از مراکش تا هند و از قفقاز تا دریای سرخ یعنی شمال آفریقا، جهان عرب، خلیج فارس، قفقاز، آسیای مرکزی و جنوب آسیا را در بر می‌گیرد.

اهمیت خاورمیانه

منطقه خاورمیانه از جهات مختلف دارای اهمیت زیادی است و از دیر باز مورد توجه کشورهای استعمارگر، از جمله آمریکا بوده است. از این رو در دکترین آیزنهاور آمده است: هیچ منطقه‌ای در جهان به اندازه خاورمیانه توجه دقیق من و همکارانم را به خود جلب نکرده است. (باقری، ۱۳۸۴، ۲۳) این با توجه به ویژگیهای عمومی منطقه بسیار حائز اهمیت است که در اینجا به آنها اشاره می‌شود:

۱- موقعیت ژئوپلیتیکی

موقعیت جغرافیایی خاورمیانه، به این منطقه ویژگی‌هایی داده که همواره سیاست بین‌الملل را تحت تاثیر قرار داده است. وجود رودها، دریاها، دریاچه‌ها و تنگه‌های متعدد نشانه‌هایی از اهمیت استراتژیک و ژئوپلیتیکی این منطقه دارد که در میان آنها تنگه‌های بسفروداردائل، کانال سوئز و تنگه هرمز جایگاه خاصی دارند. این تنگه‌ها بسان دروازه‌های طبیعی خاورمیانه و شمال آفریقا عمل می‌کنند. کانال سوئز در مسیر دریایی بین اقیانوسهای اطلس و هند نقش کلیدی را دارد. تنگه جبل الطارق اروپا و آفریقا را از یکدیگر جدا می‌کند. بسفروداردائل دریای سیاه را به دریای اژه وصل می‌کند، جنگهایی که بر سر این دو تنگه رخ داده نشانه اهمیت آن است. از لحاظ ژئوپلیتیکی، این منطقه می‌تواند بخوبی موازنه را به نفع قدرتهای بزرگ یا به ضرر آنها بر هم زند. به همین دلیل نیز در سالهای پس از جنگ جهانی دوم نگاه دو ابرقدرت، آمریکا و شوروی، پس از تقسیم اروپا به خاورمیانه معطوف و منطقه میدان رقابت بین آنها شد. جغرافی‌دانان سیاسی نیز توجه ویژه‌ای به تأثیرات منطقه خاورمیانه بر قدرت جهان داشته‌اند. آلفرد مکیندر، برجسته‌ترین جغرافیدان سیاسی اوایل قرن بیستم، این مسئله را در نظریه معروف خود تحت عنوان «هارتلند» تشریح کرد. اساس تر معروف مکیندر این بود که حوزه داخلی اوراسیا منطقه محوری سیاست جهان است، این منطقه با منابع فراوانی که دارد، از دسترس قدرتهای دریایی نیز دور است. مکیندر متذکر شد که این منطقه محوری توسط یک حاشیه هلالی شکل محاصره می‌شود که خاورمیانه در آن جای دارد. اگر کشوری که منطقه محور را در بردارد بتواند بر سرزمین‌های حاشیه مسلط شود، و به این ترتیب به دریا راه یابد، آنگاه امپراتوری جهان در معرض دید او خواهد بود. (میرحیدر، ۱۳۷۰، ۳۲)

۲- موقعیت تمدنی

خاورمیانه مرکز دنیای اسلام و سایر ادیان الهی است، مکانی با بیش از ۴۶۰ میلیون مسلمان مقدسترین اماکن و عالیترین مراجع آموزش اسلام در آن قرار دارد. مکه معظمه قبله عالم اسلام است. حدود ۹۳ درصد مردم خاورمیانه و شمال آفریقا مسلمان و کمتر از ۳ درصد مسیحی و حدود ۳ درصد دارای مذهبهای قبیله‌ای و کمتر از ۲ درصد یهودی هستند. دین اسلام به دلیل موقعیت برجسته‌ای که در منطقه دارد، یک نیروی وحدت‌بخشی که دارای اهمیت خاصی می‌باشد به شمار می‌رود. (بیونت، ۱۳۷۹)

۳- انرژی

خاورمیانه عمده‌ترین منطقه نفت خیز جهان به شمار می‌رود. این منطقه در سال ۱۳۸۴ با داشتن ذخیره‌ای برابر با ۶۶۱/۸ میلیارد بشکه، ۵۶/۷ درصد از ذخایر جهانی نفت را در اختیار دارد. کشور عربستان با داشتن ۲۵۷/۸ میلیارد بشکه، به تنهایی ۲۵/۶ درصد از ذخایر نفتی جهان را به خود اختصاص داده است. پس از عربستان کشور عراق قرار دارد. میزان ذخایر نفت عراق بالغ بر ۱۱۲ میلیارد بشکه تخمین زده می‌شود که حدود ۱۱ درصد ذخیره نفت جهان را شامل می‌شود. بسیاری از کارشناسان اعتقاد دارند که عراق دارای ذخایر نفت بیشتری است که می‌تواند مجموعه ذخایر نفت عراق را دو برابر کرده و با ذخایر عربستان سعودی برابر قرار دهد. پس از عراق، کویت با ۹۴ میلیارد بشکه و ایران با ۹۲/۹ میلیارد بشکه قرار دارند که به ترتیب سهم آنها از ذخایر نفتی جهان برابر ۹/۳ و ۹/۲ درصد می‌باشد. عمده‌ترین منابع گاز طبیعی جهان پس از روسیه نیز در این منطقه قرار دارد. این منطقه در مجموع ۳۱ درصد از ذخایر گاز طبیعی را در خود جای داده است. ایران به تنهایی ۴۵ درصد از این ذخایر را در اختیار

دارد. وابستگی کشورهای صنعتی به انرژی خاورمیانه، اهمیت آن را فوق العاده افزایش داده است. کشورهای اروپایی، چین، ژاپن و کشورهای تازه صنعتی شده بالغ بر ۷۰ درصد و آمریکا ۲۶ درصد انرژی مورد نیاز خود را از منطقه خاورمیانه تأمین می‌کنند و این وابستگی نیز رو به افزایش است. واردات نفت آمریکا از منطقه نیز رو به افزایش می‌باشد. از ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳ واردات نفت آمریکا از ۳/۲ میلیون بشکه در روز به ۶ میلیون بشکه رسید؛ یعنی ۱۰۰ درصد افزایش نشان می‌دهد. واردات نفت، از آن زمان به بعد همچنان در حال افزایش بوده است به طوری که، واردات نفت آن کشور در سال ۹۰، تقریباً نصف مصرف داخلی آن را تشکیل داده است. اکثر واردات نفت آمریکا از منطقه خلیج فارس تأمین می‌شود. در صورت عدم تغییر تولید نفت داخلی آمریکا، وابستگی آن کشور به نفت خاورمیانه به ۴۳ درصد کل واردات نفتی آمریکا خواهد رسید. آبراهام، وزیر انرژی آمریکا، بیستم ژوئن ۲۰۰۲ در مقابل اعضای کمیته امور مجلس تأکید کرد که در سال ۲۰۲۰ واردات نفت آمریکا از خلیج فارس به ۶۲ درصد خواهد رسید. یعنی حدود ۱۵ سال دیگر آمریکا باید رقمی بیش از دو برابر نیاز خود را در سال ۲۰۰۱ از خلیج فارس تأمین کند. (مطالعات خاورمیانه، ۱۳۸۳)

زنان در طرح خاورمیانه بزرگ

طرح موسوم به خاورمیانه بزرگ، که توسط کارشناسان سازمانهای پژوهشی آمریکا تدوین و مورد تأیید دولت آن کشور و گروه G8 نیز قرار گرفته، در برگیرنده ابعاد و اهداف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آمریکا در قبال کشورهای خاورمیانه بویژه کشورهای عربی این منطقه است. گفته شده که آمار و ارقام یادشده در این طرح مبتنی بر گزارش ارائه شده توسط کارشناسان و صاحب نظران غرب است که در گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۳ میلادی سازمان ملل

مورد استفاده قرار گرفته است. دولت آمریکا برای همسو کردن هشت کشور صنعتی با خود، این طرح را در نشستی که در خردادماه بین این کشورها برگزار شد، مطرح کرد تا کشورهای یاد شده به همراه آمریکا سیاست راهبردی مشترکی را در ارتباط با خاورمیانه در پیش گیرند. این طرح که در چارچوب راهبرد پیشگیرانه امنیت ملی آمریکا تنظیم شده دارای سه محور اصلی است.

۱- توسعه سیاسی ۲- توسعه فرهنگی ۳- توسعه اقتصادی

۱- توسعه سیاسی

نخستین هدف مندرج در طرح، ترغیب کشورهای منطقه به دموکراسی و حکومت‌های شایسته است. در این طرح از رژیم صهیونیستی به عنوان تنها کشور آزاد در خاورمیانه نام برده شده است. و راهکارهایی را برای تحقق اصلاحات سیاسی پیشنهاد کرده‌اند، عبارت است از: برگزاری انتخابات آزاد با استفاده از کمک‌های فنی، انجام دیدارهای تبادلی و آموزش در سطوح پارلمانی و تأسیس مؤسسات ویژه‌ای بر آموزش رهبری زنان در کشورهایی که برای انتخابات آزاد آمادگی جدی داشته باشند. در این رابطه با کمک و مشاوره حقوقی به مردم عادی، تأسیس رسانه‌های مستقل، تقویت جامعه مدنی و... به این کشورها کمک کنند.

در این طرح، آموزش مدیریت و بازسازی برای احزاب سیاسی و سازمان‌های غیردولتی و نهادهای جامعه مدنی، اصلاحات در انتخابات و آموزش قضایی برای این کشورها پیش‌بینی شده است. بخش دیگر اصلاحات با هدف آموزش مهارت‌های سیاسی به رهبران عرب با تأکید بر کاندیدهای زن در این کشورها اجرا می‌شود. برنامه حمایت از خانواده، حمایت از زنان و مشارکت سیاسی آنان، آموزش پارلمانی، آموزش احزاب محلی سیاسی دفاع از حقوق قانونی زنان از دیگر بخش‌های این طرح است.

موضوع زنان در طرح خاورمیانه بزرگ جایگاهی درخور توجه دارد. در این طرح تأسیس مؤسساتی ویژه برای آموزش رهبری به زنان، یکی از راهکارها جهت حمایت از اصلاحات، قلمداد شده است، زیرا به بیان آنها، زنان تنها ۵/۳ درصد از کرسی‌های پارلمان را در اختیار دارند. در حالی که زنان سیاست مدار در کشورهای عربی و اسلامی، نشان دهنده این مطلب است که در کشورهای پاکستان، ترکیه و بنگلادش، زنان پستهایی چون ریاست جمهوری و نخست وزیری را نیز عهده‌دار شده‌اند، ولی این مهم در کشورهای اروپایی و بخصوص آمریکا کمتر قابل مشاهده است.

آمریکا برای اجرای این طرح، دویست میلیون دلار برای افزایش نقش زنان در مجالس کشورهای عربی، اختصاص داده است. زیرا حضور زنان در جامعه، شاخصه اصلی حرکت آمریکا در این طرح محسوب می‌شود. آنها مدعی هستند که اصلی‌ترین حقوق اولیه بیش از نیمی از جمعیت این کشورها پایمال می‌شود و آنها نمی‌توانند در ایجاد دموکراسی موفق باشند. در این طرح گروه جی ۸ پیشنهاد می‌کنند که مؤسساتی ویژه برای آموزش به زنان راه‌اندازی شود، تا زمینه افزایش مشارکت زنان در حیات سیاسی و اجتماعی محقق شود و همچنین آموزش ویژه زنانی را بر عهده بگیرند که مایل به مشارکت در رقابتهای انتخاباتی هستند یا قصد تأسیس و راه‌اندازی سازمانهای غیردولتی را مهیا دارند. همچنین این مؤسسات می‌توانند دیدارهایی را بین زنان پیشگام در کشورهای مجموعه گروه ۸ و زنان منطقه فراهم سازند.

برای دستیابی به این اهداف مجموعه‌ای از راهکارها ارائه شده است. از جمله کوشش برای شرکت زنان در انتخابات، دیدار متقابل نمایندگان زنان این کشورها با یکدیگر (عربی، اروپایی و آمریکایی) انتقال تجربیات در زمینه آزادی‌های

سیاسی، حمایت از مؤسسات آموزشی در این کشورها (عربی) بخصوص مؤسسات آموزشی مدیریت به زنان، کمکهای حقوقی به شهروندان زن در کشورهای محدوده طرح به منظور دفاع مؤثر از حقوق خود، تأسیس رسانه‌های جمعی مستقل اعم از مطبوعات، رادیو و تلویزیون، طرح اختصاص پانصد میلیون دلار وام برای کمک به افراد، به ویژه زنان برای دفاع از حقوق سیاسی خود را آورده‌اند.

توسعه فرهنگی اجتماعی

در این طرح گفته شده منطقه خاورمیانه به علت کاهش سرمایه‌گذاری دولت و افزایش داوطلبان، به موازات فشارهای جمعیتی، از فقدان آموزشهای اساسی رنج می‌برد. همینطور اعتبارات فرهنگی لازم برای آموزش دختران نیز در دسترس نیست. کشورهای گروه هشت می‌توانند از طریق راهبردهای زیر آموزشهای اسلامی را در منطقه برای این افراد گسترش دهند:

۱- مبارزه با بی‌سوادی

گروههای مبارزه با بی‌سوادی، کشورهای گروه هشت، می‌توانند تلاش کنند تا سطح خواندن و نوشتن در بین دختران بهبود یابد. همچنین آموزشگاه‌هایی را برای آموزش معلمان بویژه زنان تأسیس کرده، توسعه دهند. معلمان زن و افرادی که اختصاص به امر آموزش اشتغال دارند، در این آموزشگاه‌ها، می‌توانند زنان را آموزش دهند. (البته در این میان دولتهایی هستند که آموزش زنان را ممنوع می‌دانند) سپس آنها به نوبه خود، خواندن و نوشتن را به دختران می‌آموزند. در این برنامه همچنین می‌توان از رهنمودهای برنامه سازمان یونسکو تحت عنوان آموزش برای همگان، به منظور آماده سازی

گروه‌های مبارزه با بی سوادی استفاده کرد، تا تعداد آنها در سال ۲۰۰۸ به یکصد هزار معلم زن برسد. (روزنامه شرق، نوروز ۱۳۸۳)

اختصاص بخشی از این طرح به نقش فرهنگی و اجتماعی زنان و دختران و حمایت از آزادیهای آنها و گسترش سازمان‌های غیردولتی متعلق به آنان، از این جهت است که نومحافظه‌کاران آمریکا استدلال می‌کنند افرادی که رویداد ۱۱ سپتامبر را آفریدند، در دامان مادرانی پرورش یافته بودند که نفرت از آمریکا را به فرزندان خود آموخته بودند. پاول، وزیر امور خارجه وقت آمریکا، از یک شاعر مصری نقل می‌کند مادر مدرسه است و اگر او را آماده کنی، نسل آینده را آماده کرده و پرورش داده‌ای، می‌گوید: «وقتی بی‌سوادی در دختران کاهش یابد، معضلات دیگر نیز بهبود می‌یابد و با این طرح، مشارکت آمریکا خاورمیانه فعالیت‌های درسی را برای دختران مهیا می‌کنیم.»

ضرورت اصلاحات فرهنگی و توسعه علمی و آموزشی در این طرح، با تأکید مضاعف بر این بخش از اصلاحات برای زنان، از این دیدگاه مقامات آمریکایی ناشی می‌شود که معتقدند متون و نظام آموزشی کشورهای خاورمیانه تروریست‌پرور است و به زعم آنان نفرت از غرب و آمریکا معلول بی‌سوادی، سوء تفاهم و عدم شناخت واقعی مردم منطقه از جهان و غرب است.

۲- اصلاحات فرهنگی و اجتماعی

اصلاحات فرهنگی و اجتماعی در طرح خاورمیانه بزرگ، بر عقب‌ماندگی علمی و آموزشی کشورهای خاورمیانه تأکید دارد. راهکارهای آن عبارت است از؛ مبارزه با بی‌سوادی، سرمایه‌گذاری کشورهای غربی در ترجمه کتابهای کلاسیک، تأسیس مدارس علمی و اکتشافی، اصلاحات آموزشی، گسترش استفاده از اینترنت و تدریس رشته مدیریت بخصوص برای زنان منطقه.

در این طرح، از پدیده فرار مغزهای منطقه و واردات فناوری غرب استفاده می‌شود، بدون آن که به نقش کشورهای غربی در پدید آمدن آنها اشاره‌ای شود.

۳- اصلاحات اقتصادی

در بخشی از طرح خاورمیانه بزرگ و شمال آفریقا آمده است، پرکردن شکاف اقتصادی بین کشورهای خاورمیانه و جهان معاصر، به همان تحولی نیاز دارد که تا حدی در کشورهای اروپای شرقی، که در گذشته کمونیستی بودند، اجرا شد. کلید این تحول در آزادسازی توان بخش خصوصی در منطقه بویژه در طرحهای کوچک و متوسط است که اصلی‌ترین موتور رشد اقتصادی و ایجاد فرصتهای کاری به شمار می‌رود. در ادامه به کشورهای گروه ۸ توصیه می‌شود که برای پیشبرد توسعه اقتصادی در خاورمیانه اقداماتی به شرح زیر انجام دهند:

۱- سرمایه‌گذاری برای رشد، تقویت کارآمدی بخش مالی، با انجام اقداماتی مانند اعطای وام به پروژه‌های کوچک و مشارکت در تأسیس و توسعه صندوق پول و بانک توسعه خاورمیانه و مشارکت در اصلاح سیستم مالی کشورهای منطقه؛
 ۲- راه‌اندازی طرح تازه‌ای برای رونق بخشیدن به تجارت در خاورمیانه بزرگ، مانند پیوستن به سازمان تجارت جهانی، ایجاد مناطق آزاد تجاری، تأسیس مناطق مدیریتی و تأسیس تریبون فرصتهای اقتصادی؛

۳- مجموعه کشورهای گروه هشت می‌توانند از طریق سرمایه‌گذاری بویژه با تأکید بر نوعی سرمایه‌گذاری به قصد سودآوری بخصوص در طرحهایی که زنان به انجام آنها روی می‌آورند، این کاستی را جبران کنند. مؤسسات اعطای وام با سودهای کم، می‌توانند به راه خود ادامه دهند و احتیاج به سرمایه‌گذاری اضافی برای رشد و ادامه کار ندارند. طبق این طرح امکان اعطای وام ۴۰۰ تا ۵۰۰

میلیون دلار وجود دارد تا طی ۵ سال، به ۱/۲ میلیون فعال اقتصادی که ۷۵۰ هزار نفر آنها زنان باشند، داده شود تا از فقر رهایی یابند. (روزنامه شرق، نوروز ۱۳۸۳)

در این طرح بر فراهم شدن شرایط فعالیتهای اقتصادی زنان تأکید شده است. تأکید بر این نکته که حدود دو سوم فعالان اقتصادی طرح زنان هستند. بخصوص در مقایسه با گزارش توسعه انسانی سازمان ملل که تا سال ۲۰۲۰، حدود صد میلیون جوان وارد بازار کار می‌شوند و لازم است حدود شش میلیون شغل جدید ایجاد شود، تا حدی تأمل برانگیز است، در حالی که میزان بیکاری مردان جوان در کشورهای عربی و اسلامی در سطح بالایی قرار دارد، تأکید بر اشتغال این نسبت از زنان در این کشورها، نمی‌تواند بدون هدف تلقی شود. (باقری، ۱۳۸۴، ۱۱۷)

زنان و بازخوانی هویت

واقعیت این است که زنان در طول تاریخ مدون بشر تاکنون، به دلایل مختلف از جمله تفاوت‌های طبیعی و جنسیتی همواره به اشکال مختلف تحت سلطه و وابستگی مردان قرار داشته‌اند. این نگاه منفعت طلبانه به عنوان سنت، خیانت، تعصبات قومی و قبیله‌ای و یا حزبی و گروهی نژادی در زندگی بشر نهادینه شده و در طول تاریخ تنها شکل عوض کرده است.

اگرچه در برخی مقاطع از جمله صدر اسلام در اثر تعالیم الهی اسلام زمینه ظهور و بروز استعداد‌های انسانی زنان در همه عرصه‌ها و در ابعاد مختلف تجلی نمود، متأسفانه این هم نیز دیری نپایید و با فراموشی و تحریف تعالیم پیامبر خدا (ص) دوران انحطاط مسلمین و محرومیت مجدد زنان فراهم شد. از این رو بررسی اجمالی وضعیت زنان در کشورهای اسلامی، عربی خاورمیانه و زنان در ایران بعد از انقلاب و نگرش و تحولات رویکرد غرب به زنان، می‌توان زمینه بررسی تحلیلی موضوع و مطالب پیش گفته را پاسخ گفت.

وابستگی حکومتها و دولتهای منطقه در سده گذشته، برخی حرکت‌های رفرمیستی را جهت تغییر وضعیت زنان و همسویی آنان همپای تغییرات شکلی زنان غربی در برخی از کشورها اعمال نمودند، ولی وجود حاکمیت‌های متنوع محلی و حفظ سنت‌های مذهبی و قومی در عمل این تغییرات را به برخی اقشار مرفه و خاص در شهرهای بزرگ و مراکز حکومتی کشورهای اسلامی محدود می‌نمود. سده بیست میلادی، دوران شکل‌گیری رشد و توسعه جنبش زنان در آسیا است. در برخی از کشورهای آسیایی مانند ژاپن، هند، مصر و سوریه تشکل‌های زنان در اواخر سده ۱۹ میلادی تشکیل شد و در کشورهایی مانند ایران، ترکیه و چین تشکل‌های زنان در سالهای آغازین سده بیستم شروع به فعالیت کرد. آنچه در تشکل‌های اولیه زنان کشورهای آسیایی نقش محوری داشت، آشنایی گروهی از زنان این کشورها با مدرنیته و مدنیت جدید غربی و جنبش زنان در اروپا و آمریکا بود.

در گام بعدی، کنفرانس‌های منطقه‌ای زنان تشکیل شد. در سال ۱۹۲۵ کنگره زنان مسلمان و سپس کنگره زنان مسیحی سوریه و بعد از «المجمع النسائی العربی» تشکیل شده و سپس کنگره نسوان عرب در دستور کار فعالان حقوق زنان قرار گرفت.

این کنگره در اوایل ۱۹۳۰ در دمشق برگزار شد و متعاقب آن در سال ۱۳۰۹ هـ ش ۱۹۳۰ م دو کنفرانس از زنان کشورهای آسیایی برگزار شد. یکی ((شورای عالی اتحادیه کل زنان شرق)) که در ایران به ((کنگره نسوان شرق)) شهرت یافت، دیگری مجمع اتحادیه نسوان آسیا، دومین کنگره نسوان شرق، در آذرماه ۱۳۱۱ و مصوبات ۲۲ ماده‌ای کنگره را منتشر کرد.

وضعیت زنان در کشورهای عربی - اسلامی خاورمیانه

طبق آمار زنان ۵۰ درصد جمعیت ۳۷۰ میلیونی اعراب منطقه را تشکیل می‌دهند. بر همین اساس حدود ۴۰ درصد اعراب بالای ۱۸ سال، یعنی ۱۴۸ میلیون نفر، بی‌سوادند. زنان جایگاه زنان در جهان عرب تنها بر کشورهای جنوب صحرای بزرگ آفریقا رجحان دارد. براساس گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۲۰۰۳، اعراب ساکن این کشورها در صدر لیست کسانی قرار دارند که بالاترین حد از عدم پذیرش حاکمیت استبدادی را ابراز کرده‌اند. به عنوان مثال، در عربستان زنان قسمتی از جمعیت ۱۶ میلیونی آنان را تشکیل می‌دهند، اما به لحاظ قانونی و عرفی از بسیاری حقوق اولیه شهروندی محروم هستند و نسبت به سایر کشورهای اسلامی در شرایط سخت‌تری به سر می‌برند. این بی‌عدالتی تا جایی پیش رفته که جز شش درصد زنان عربستانی، بقیه از داشتن شناسنامه مستقل محرومند و نام آنها در شناسنامه یکی از عناصر ذکور خانواده، اعم از پدر یا همسر نوشته می‌شود. این مسأله مبین عمق اجحاف علیه آنهاست، باید اذعان داشت تلفیق سیاست با مذهب وهابی و مردسالاری سستی در این کشور، ترکیبی به وجود آورده که زندگی زنان عربستانی را با هزاران قید و بند دست و پاگیر بسیار مشکل ساخته است. این وضعیت اسفناک تا جایی پیش رفته که رانندگی زنان در عربستان به یک آرزوی بسیار دور تبدیل شده است. زنان بدون اجازه شوهر یا یکی از بستگان نزدیک مذکر خود، نمی‌توانند گذرنامه و خط موبایل و یا صاحب حساب بانکی باشند. اخیراً دولت عربستان اصلاحاتی را در نحوه تعامل با شهروندان زن این کشور در پیش گرفته است. در راستای همین اصلاحات، ازدواجهای اجباری دختران در عربستان ممنوع اعلام شده است. علاوه بر آن دولت عربستان قصد دارد حضور زنان در جامعه که

پیش‌تر در مشاغل آموزشی، پزشکی و خدمات پرستاری محدود شده بود را پررنگ سازد و از زنان متعهد این کشور در مشاغل مختلف دیگری نیز استفاده کند.

در دیگر کشورهای عربی نیز وضعیتی مشابه، حکم فرماست هاشم قاسم، رییس سازمان حقوق بشر مصر می‌گوید: «خشونت علیه زنان همه‌جا وجود دارد ولی در مصر و سودان بدترین نوع خشونت علیه آنان اعمال می‌شود.»
 ماها ابودایه، رییس مرکز اجتماعی و مشاوره حقوقی زنان دولت القدس نیز می‌گوید: «در جامعه ما بجای حل مشکل قتل‌های ناموسی یا قتل برای حفظ شرافت، خانواده خود را از شر قربانیان راحت می‌کنند»

در پاکستان نیز حاکمیت فرهنگ‌های قومی و قبیله‌ای تحت کنترل فئودالها، ظلم و بی‌عدالتی به زنان به اندازه‌ای است که حفظ سنتهای زشت و جاهلی در برخی قبایل ایالت‌های مختلف پاکستان هنوز هم برقرار است. از جمله این وقایع داستان مختارمای در ژوئن ۲۰۰۲ بود که ۱۴ مرد، داوطلب می‌شوند حکم رؤسای قبیله متنفذ ماستویی را اجرا و به مختار در مقابل چشم مردم تجاوز کنند. گناه مختار این بود که برادرش عبدالشکور با دختری از قبیله ماستویی دیده شده و احتمالاً ارتباط داشته است. انجام این حکم در مقابل چشم حداقل ۱۵۰ نفر از اهالی ده میروالا در پنجاب جنوبی اجرا می‌شود. شکایت مختار به دادگاه برخلاف رویه متداول خودکشی زنان در این گونه موارد بود. او قضیه را به روزنامه‌ها و پی‌گیری برخی فعالان حقوق بشر کشانید. (اعتقاد ۱۳۸۴-۸) و به دنبال آن آمریکا و برخی کشورهای غربی با جار و جنجال تبلیغاتی پیرامون این قضیه و ارسال پول و کمک مالی برای مختار به عنوان کمک بشردوستانه، درصدد انتقال او به آمریکا برآمده تا با تبلیغات سوء زمینه آماده‌سازی افکار عمومی غرب را

برای دخالت به اصلاح نجات بخش خود در کشورهای اسلامی و خاورمیانه فراهم آورند.

وضعیت زنان در جمهوری اسلامی ایران

با توجه به وجود قومیت‌های مختلف و تنوع خرده فرهنگ‌های موجود، در کشور ما نیز اجحاف‌هایی نسبت به زنان صورت گرفته و ممکن است ادامه نیز داشته باشد؛ مثلاً در ایران قبل از انقلاب در برخی استانهای جنوبی کشور قتل‌های ناموسی و ازدواج خون بس اجرا می‌شده. ازدواج خون بس، به یک نوع ازدواج اطلاق می‌شود که خانواده قاتل برای جلب رضایت خانواده مقتول به اجبار، یکی از دخترانشان را به عقد و ازدواج یکی از فرزندان مقتول درمی‌آورد. براساس تحقیقی که از ۷ روستا در سال ۷۰ به عمل آمد، مشخص شد ۲۸ زن در ازدواج خون بس بوده که ۱۹ نفر آنها ازدواجشان قبل از انقلاب صورت گرفته است. خوشبختانه، با سفر مقام معظم رهبری به این منطقه و پی‌گیری مسئولین، این مشکل تا اندازه زیادی رفع شده و اینک مسأله‌ای به نام ازدواج خون بس وجود ندارد. (خج‌ا - مهر ۷۹ - ۱۱)

خوشبختانه حضور تعیین کننده زنان ما در پیروزی انقلاب زمینه مشارکت همه جانبه آنان را در عرصه‌های مختلف کشور هم‌دوش مردان فراهم کرد. به عنوان مثال، حضور ده‌ها نفر از مدیران سطوح بالای کشور، از معاونت ریاست جمهوری تا مشاور، مدیر کل، ریاست دانشگاه و نماینده مجلس از زنان می‌باشند. حضور زنان در صحنه‌های ورزشی کشور، هم اکنون ۳۲۵ مدیر زن مسئولیت اجرایی ورزش و ۱۵۰۰ زن مسئولیت اداره اماکن ورزشی را برعهده دارند. شمار مربیان و داوران ورزشی زن کشور ۲۷ هزار نفر می‌باشد. (پیشین ۲۴) اما تلاش برای توانمندسازی زنان به عنوان اولویتی از مسائل کشور و افزایش سطح

آگاهی مدیران کلیدی و سیاستگذاران کشور در زمینه مشارکت زنان در مسئولیتها و کمک به ارتقای سطح مدیریت، یک ضرورت جدی در ارائه الگوی واقعی از نقش و مسئولیت‌پذیری زنان به دنیای کنونی است. در جمهوری اسلامی ایران تلاش ارزنده‌ای در زمینه توسعه و تقویت فرصت‌های برابر آموزشی، شغلی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برای زنان به عمل آمده اما هنوز ضرورت تلاش بیشتر برای رسیدن به وضعیت مطلوب احساس می‌شود.

آرمان زنان و زن غربی از سراب تا واقعیت

ارسطو زن را موجودی ناقص قلمداد می‌کرد. زنان و بندگان از روی طبیعت محکوم به اسارت هستند و به هیچ وجه سزاوار شرکت در کارهای عمومی نیستند. (ویسی ۱۳۸۳-۱۱۰) در تمدن رومی نیز زن از همه حقوق خود محروم و چون برده‌ای در دستان پدر و یا شوهر بود، به گونه‌ای که پدر قدرت اعدام و یا خرید و فروش آن را داشت. در فرانسه کنفرانسی برگزار شد تا به حقیقت وجود زن دست یابند و بفهمند که آیا او از نوع انسان است یا از قماش دیگری است؟ در میان یهودیان نیز بنا بر فرمان یهوه در آخرین بند، از فرمانهای ده گانه، زنان در ردیف چهارپایان و اموال غیرمنقول قرار دارند. از این رو دعای همیشگی مردان یهودی در نماز این بود که «خدایا تو را سپاسگزارم که مرا کافر و زن نیافریدی». (پیشین، صفحه ۱۱۴) زائیده چنین تفکری در مورد زنان، آنها را به عنوان برده و کلفت در مزرعه و قلعه‌هایی در بیابان، قبل از انقلاب فرانسه و کارگران مفت و کم توقع در کارخانجات صنعتی مربوط به سرمایه‌داران قرار داده بود. تا سال ۱۸۸۲ زنان حتی دستمزد خود را نیز نمی‌توانستند برای خود نگه دارند.

تلاش زنان در مقابل این بی‌عدالتی‌ها و ادامه پی‌گیری آنان منجر به تشکیل کمیسیون و کنوانسیونهای مختلف در فاصله سالهای ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۵ شد، با برگزاری کنفرانس جهانی زنان، این سال را ((سال جهانی زن)) نامیدند. زمینه فعالیت مؤثرتر جنبش فمینیستی و تأثیر آن بر مجامع بین‌المللی فراهم شد و آرزوی دیرینه آنان به صورت یک قانون حیاتی در ۱۹۷۹ به تصویب رسید و در مجمع عمومی سازمان ملل بر اجرای آن از سوم سپتامبر ۱۹۸۱ تأکید شد. بررسی عملی تأثیر این قوانین در زندگی زنان غربی در ۲۵ سال گذشته، دورنمای وضعیت زنان در نسخه خاورمیانه‌ای آمریکا برای زنان کشورهای اسلامی را روشن می‌نماید.

با توجه به اصلی‌ترین موضوع کنوانسیون که رفع هرگونه تبعیض از زنان و ضرورت تساوی و برابری زنان و مردان در همه شئون است، کمیته سیدا (CEDAW) با نگاه فمینیستی غرب‌گرای خود، در تدوین سیاستهای اجرایی برای پنج سال اول قرن بیست و یکم، اشتغال و حضور اجتماعی برابر زنان و حمایت از آنان را دنبال می‌کند.

در این میان، نگاه ادیان به ارزش و نقش و رسالت مادری و حضور زنان در خانواده را مورد بی‌مهری قرار داده* و تهدید جدی در بنیاد خانواده را حتی با تأکید واتیکان مبنی بر توجه به ارزش مادری و حضور زن در خانواده را بدون پاسخ گذاشته و به آینده موکول کرده است**.

* ۳۱ ژانویه ۲۰۰۰ کمیته CEDAW کشور بلاروس را به سبب تداوم وجو معرفی مناسب‌هایی چون روز مادر و دادن لوح افتخاریه مادران مورد انتقاد قرار داد: زیرا این امر مشوق های سستی زنان بر شمرد .
** در اجلاس پکن +۵ تعداد ۱۵ کشور اروپایی تقاضای حذف نظر واتیکان نسبت به خانواده را نمودند زیرا به عقیده آنان موضوع «جنسیت» اصل نبوده واتیکان به نقش اساسی زن در خانواده تاکید نموده بود (۱۳ مارس ۲۰۰۰)

در همین راستا، کنوانسیون به دنبال پذیرش نقش انفعالی از دین و به حاشیه راندن آن تهاجمی بنیادین را به اساس خانواده و یا مذهب و هر آنچه از فرهنگ‌های بومی به صورت مانعی برای روند جهانی سازی غرب و آزادی لیبرالیستی محسوب می‌شود دنبال می‌کند.

بزرگ‌نمایی اهمیت موقعیت اجتماعی زنان و القای ارزشی بودن این نقش برای زنان از یک سو و بی‌ارزش شمردن نقش مقدس مادری و همسری و مانع دست و پاگیر قلمداد کردن این نقش‌ها در جهت دستیابی زن به اهداف اصلی اجتماعی! خود را از پیش زمینه‌های اصلی این ضایعه جبران ناپذیر اجتماعی است که امروزه در غرب از سوی دیگر در قالب خانواده‌های تک والدینی (مادر و فرزند) نشان داده است. مقام معظم رهبری در این مورد می‌فرماید دنیای غرب با وعده‌های پوچ، زن را از ایفای نقش بی‌مانند او در خانواده باز می‌دارد و ضمن نادیده گرفتن حقوق واقعی زنان، خانواده یعنی پایه و مبنای جامعه را تضعیف می‌کند و از این طریق نسل‌های آینده را نیز با خطر روبرو می‌سازد... جرم بزرگ تمدن غرب این است که به نام حمایت از زن به آنان خیانت می‌کند و نقش حقیقی آنان را در تاریخ و جامعه و خانواده تضعیف می‌کند و یا نادیده می‌انگارد... [و این] سیل خطرناک نادیده گرفتن حقوق و نقش واقعی زنان و جایگاه خانواده در تمدن مادی غرب، در بلند مدت باعث فروپاشی این تمدن خواهد شد.

زنان و اشتغال

فراهم کردن زمینه اشتغال زنان و کسب استقلال اقتصادی برای آنها نیز یکی از محکم‌ترین اهدافی است که در دیدگاه برابری جنیستی لحاظ گردیده

است. از این رو زنان علاوه بر فشارهای جسمی در محیط کار، وجود آسیب‌های جنسیتی نیز یکی از مواهب اشتغال زنان در غرب است ((آنتونی گیدنز)) در این باره می‌گوید: ((در انگلستان از هر ده زن، هفت تن در دوره زندگی شغلی خود به مدت طولانی به آزار جنسی دچار می‌شوند.))

نادیده گرفتن ارزشهای معنوی و گاه صرفاً مادی به حضور زن در محیط کار، سبب شده است که اشتغال زنان در جهان غرب به شکل افراطی بیان شود و زنان غربی برای کسب درآمد پذیرفته‌اند، به ابزاری در نظام سرمایه‌داری تبدیل شوند. از این رو با توجه به تأکید و استناد گزارشات سازمان ملل، مبنی بر نرخ رشد بالای بیکاری مردان جوان و استدلال غرب در ارتباط با بی‌کاری و تروریست و مهاجرت آنان به سوی اروپا، اختصاص ۷۵۰ هزار نفر از ۱/۲ میلیون فعال اقتصادی به زنان جای تأمل دارد.

مدیریت و زنان

حضور زنان در سطوح مدیریتی نیز از شعارهایی است که پس از سالها تلاش هنوز به جایی نرسیده است. برای نمونه کشور سوئد که در پذیرش کنوانسیون و اجرای قوانین برابری جنسیتی در جهان غرب، رتبه اول را داراست در اعطای مشاغل سطح بالا به زنان موفق نبوده، در این کشور درصد زنان در پستهای مدیریتی به صفر می‌رسد. جالب اینکه حتی در سازمان ملل متحد، که پرچمدار برابری زن و مرد است، از ۱۸۵ نفر نماینده رده اول، فقط ۷ نفر زن هستند. در آمریکا نیز که خود را حامی سینه چاک دفاع از حقوق زنان معرفی می‌کند، پروژه تعدیل زنان از ادارات فدرال رادر زمان رونالد ریگان شروع کرد و هنوز ادامه دارد.

ریگان در نخستین اقدامات خود پس از تصدی ریاست جمهوری، طرح کاهش ۷۵۰۰۰ نفر از کارمندان زن دولت فدرال را تصویب کرد. از این عده ۶۹ درصد در رده‌های شغلی پایین ۲۵ درصد در رده‌های شغلی متوسط و ۶ درصد در سطوح بالای نیروی کار دولت فدرال بودند. همچنین ۳۵ درصد از پرسنل زن دفتر زنان ایالات متحده و وزارت کار این کشور را کاهش دادند. قطع کامل بودجه انتشاراتی نشریات زنان، از دیگر اقدامات دولت آمریکا در ارتباط با زنان می‌باشد. (کپهان، خرداد ۸۴)

لغو برنامه‌های سخنرانی و نمایش که زنان را با قوانین رفاه اجتماعی و شغل‌های مختلف آشنا می‌کند، خالی نگه داشتن پست ریاست برخی از مشاغل که طبق قاعده می‌بایست مسئول آن زن باشد، به بهانه ناکامی در پیدا کردن زن شایسته برای تصدی آن و حذف و تعدیل چندین مورد بودجه‌های مربوط به زنان تعهد واقعی آمریکا نسبت به زنان، را از سراب تا واقعیت به نمایش می‌گذارد.

آزادی و دموکراسی غربی

اجرای طرح خاورمیانه بزرگ، از این منظر که زمینه دگرگونی و تحول در وضعیت کنونی زنان برخی از کشورهای منطقه را فراهم می‌کند، حائز اهمیت بوده و مناسب ارزیابی می‌شود. اما اگر مجموعه تحولات اقتصادی، آموزشی و فرهنگی زنان در چهارچوب آزادی و دموکراسی غربی، به مفهوم برده‌داری جنسی مدرن و حذف موهبت مادری و فروپاشی خانواده که از موهبت‌های زن امروز از نگاه غرب است، منجر شود؛ صدور فاجعه‌ای است که امروزه دامنگیر دختران و زنان، در جوامع غربی است.

روابط آزاد پیش از ازدواج، موالید نامشروع و عقده‌های روانی، خانواده‌های تک والدینی (مادر و فرزند) روسپی گری، شیوع و گسترش بیماریها از جمله ایدز و روابط آزاد جنسی و ... نمونه‌هایی از واقعیت موجود در کشورهای صادر کننده کنوانسیون به دیگر کشورهاست. امروزه فقط در آمریکا سالانه ۱۳۷۰۰۰۰ سقط جنین انجام می‌شود که ۸۰ درصد این افراد ازدواج نکرده‌اند. (اردبیلی ۱۳۸۳- ۶۲ - ۶۳)

همچنین روسپی گری با عنوان کارگران جنسی تن فروشی زنان و دختران مورد حمایت کمیته (CEDAW) قرار گرفته و با شیوه‌های متنوع و مختلف ترویج می‌شود و کشورهایی که در این زمینه محدودیت‌های خاص قائل شوند، به عنوان محدودکنندگان آزادی و حقوق بشر مورد عتاب قرار می‌گیرند.*

تخریب زیربناهای فرهنگی و مذهبی با هدف ترویج فرهنگ آمریکایی و مدنیت غربی براساس سیاستهای کندی، از اهداف مورد نظر غرب است که با استحاله فرهنگی در کشورهای اسلامی منطقه از راه پیمان نامه‌ها و قراردادهای بین‌المللی، کشورها را به اجرای قوانینی ملزم می‌کند که به اهداف و خواست نظام سرمایه‌داری بیانجامد. کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (CEDAW) نیز از این امر جدا نیست و جامعه جهانی را با خلأ یک نظام قدرتمند بر پایه اصول الهی، عدالت و تکامل روحی انسانها روبرو کرده است.

مادلین آلبرایت، وزیر خارجه اسبق آمریکا، در نطق افتتاحیه خود در اجلاس پکن

*در تاریخ فوریه ۱۹۹۹ کمیته CEDAW نگرانی خود را از غیر قانونی بودن روسپی گری در چین ابراز داشت و نسبت به تعیین تعیین مقررات حمایت از کارگران چینی زن تاکید کرد. در تاریخ فوریه ۲۰۰۰ نیز به کشور آلمان به لحاظ عدم حمایت های کار و قوانین اجتماعی روسپیان انتقاد کرد. در تاریخ ۱۴ می ۱۹۹۸ کمیته CEDAW به مکزیک اظهار داشت که به موضوع قانونی کردن روسپی گری رسیدگی کند.

گفت: مفاد کنوانسیون رفع تبعیض در راستای تعمیم و تعمیق سیاستهای آمریکا گام برمی‌دارد. از این رو می‌توان این کنوانسیون را فارغ از مطالب مندرج در آن، در اصل قربانی تئوری یکسان سازی جهان برای اداره راحت‌تر آن از سوی جهان‌خواران و از راه طعمه قرار دادن زنان دانست. ادعای جهانی بودن و مجبور کردن همه کشورها با فرهنگ‌ها و باورهای مختلف، در حقیقت به معنای غرب‌مداری و اعتقاد به افکار حاکم بر آن از جمله لیبرالیسم، اومانیسم و سکولاریسم و ... و نفی هویت فرهنگی، تاریخ و رویکردهای ملل غیراروپایی است.

نکته مهم اینکه، مادران در تربیت فرزندان و نسل آینده نقشی مضاعف دارند. لذا تأکید بر نقش آفرینی زنان و دختران و افزایش معلمان زن، به لحاظ تأثیرگذاری در تربیت نسل آتی به همین لحاظ است، به همین جهت رویکرد کشورهای سلطه طلب تعلیم و تربیت این قشر خاص از دوران نوجوانی است؛ به عنوان مثال، کشور اتحاد شوروی سابق در تهاجم به افغانستان هزاران نفر از کودکان ۸ تا ۱۲ ساله افغانی را جهت آموزش و تعلیمات خاص به روسیه انتقال داد، تا با آموزش توجیه و تربیت آنان کادرهای مدیریتی طرفدار شوروی را در دولتهای آتی تأمین نماید.

همچنین آمریکا پس از بمباران اتمی ژاپن داگلاس مک آرتوری، ژنرال آمریکایی که به مدت ۵-۶ سال حاکم کشور ژاپن بود، مهم‌ترین کاری که انجام داد به عهده گرفتن نهادهای تربیتی دختران ژاپنی بود. امروزه حامد کرزای مشابه این مسئله را در افغانستان انجام می‌دهد.

در عراق کنونی نیز اولین اقدامی که پل برمر، حاکم نظامی آمریکا، انجام داد ساماندهی نظام تعلیم و تربیت بود. طراحی این نظام تعلیم و تربیت و تألیف

کتاب درسی آن به مؤسسات فرهنگی یهودی واگذار شد، که واکنشهایی از سوی مراجع عراق به دنبال داشت. (عباسی ۱۳۸۳ - ۸۷)

نتیجه گیری

اهداف سلطه جویانه غرب از دیرباز منطقه خاورمیانه و کشورهای اسلامی را هدف قرار داده و با ایجاد تفرقه بین کشورهای اسلامی و به یمن وجود حکومت‌های وابسته از منابع نفت و فروش میلیاردها دلار سلاح و تجهیزات نظامی به آنان و ایجاد رقابت تسلیحاتی کاذب از منافع سرشاری برخوردار شده است. انقلاب اسلامی و استحکام روز افزون آن در پناه نظام مردم سالاری دینی، زمینه‌های بیداری و اعتماد ملت‌های مسلمان منطقه را فراهم آورده است، شکنندگی و سقوط کشورهای منطقه از یک سو و سلاح‌های خریداری شده توسط آنها نگرانی غرب را از تشکیل جمهوری اسلامی دیگری نظیر ایران را ایجاد کرده است.* رقابت‌های اقتصادی بین کشورها و رشد و توسعه سریع کشورهای شرق آسیا و نیاز روزافزون آنان به نفت از یک سو، و نتایج حمله به عراق و افزایش ۳۰۰ درصدی قیمت نفت و همچنین ضرورت تأمین امنیت و ثبات صادرات نفت و گاز مورد نیاز کشورهای صنعتی از سوی دیگر، زمینه

* «کنت واستز» تئوریستین برجسته آمریکایی پس از کنفرانس مغرب دربارہ مخاطرات فراگیر شدن ایدئولوژی اسلامی و شیعی در منطقه خاورمیانه و صدور آن به دیگر کشورهای اسلامی و حتی غربی به صراحت اعلام کرد: تا فضای کشورهای اسلامی، مسلمان نشین و حتی کل محیط بین‌المللی از لحاظ ایدئولوژی اسلامی ایمن نشود آمریکا فاقد امنیت در داخل و خارج مرزهایش خواهد بود. نقطه کانونی این ایدئولوژی در خاورمیانه و مهار آن بدست جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. (روزنامه صبح صادق شماره ۱۸۵)

دخالت نظامی آمریکا را بسیار محدود ساخته است. بنابراین ضرورت ایجاد تحول در ساختار سیاسی دولتها به شکل مورد نظر غرب، هدف و انگیزه طرح مورد توافق هشت کشور صنعتی برای خاورمیانه است. مهمترین مؤلفه تغییرات مورد نظر آن معطوف به چگونگی تحقق و نقش آفرینی زنان در طرح معطوف می باشد. اگر تعمیم الگوی حاکم بر جهان غرب را برای رهایی زنان مسلمان در کشورهای عربی - اسلامی مفید بدانیم، ناگزیر باید پیامدهای گریزناپذیر آن را نیز بپذیریم. این امر فقط هنگامی ضرورت می یابد که ما فاقد الگوی دیگری باشیم، لذا با وجود نگرش جامع اسلام ناب محمدی (ص) به زن و ارائه عملی نقش آفرینی زنان، در انقلاب، دفاع مقدس و دوران سازندگی که الگوی جامع و قابل قبولی را ارائه نموده و مورد تأیید وجدانهای آگاه و حتی مورد توجه زنان آزاده غربی است و جلوه های آن در استفاده از روسری و گرایش به اسلام در غرب تجلی یافته است. اگرچه در عرصه تبلیغات و رسانه های جمعی غرب خلاف آن را نمایش می دهند، بهترین دلیل این الگوی جامع، ترسی است که نظامهای مدعی آزادی و حقوق بشر نظیر فرانسه را وادار به برخورد فیزیکی و تصویب قانون در محدود کردن آزادی دختران و زنان برای انتخاب نوع پوشش و استفاده از روسری می نماید، در صورتی که انتخاب آزادانه لباس و پوشش از حقوق اولیه مطرح در کنوانسیون حقوق بشر است. جالب اینکه فرانسه مدعی پرچمداری آزادی و حقوق بشر حمایت از حضور زنان تقریباً عربیان در جوامع غربی را عین آزادی و دفاع از حقوق بشر قلمداد می کند. به هر حال آنچه که گم شده زنان در اغلب جوامع اسلامی و حتی جهان کنونی است، خودیابی و بازیابی هویت و من حقیقی اوست. از دیدگاه اسلام و قرآن مخاطب اصلی آیات الهی و شریعت

مقدس همان ((حقیقت آدمی و انسانیت انسان)) است و جنسیت او در سنجش شرافت او جایگاهی ندارد.

در نگاه امام خمینی (ره) زن عنصر تابناکی است که زیربنای فضیلت‌های انسانی و ارزشهای والای خلیفه الله در جهان است. همچنین مقام معظم رهبری جایگاه زن در بینش اسلامی را از سه دیدگاه قابل توجه می‌دانند.

نقش زن به عنوان انسان در راه تکامل معنوی و انسانی که مرد و زن در این دیدگاه فرقی با یکدیگر ندارند. زن در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و قلمرو اقتصادی که از منظر اسلام، میدان فعالیت و تلاش برای زنان کاملاً باز است و بالاخره زن به عنوان عضو خانواده که این از همه مهمتر است و در اسلام به مرد اجازه داده نشده که به زن زور بگوید و چیزی به او تحمیل کند و برای مرد حقوق محدودی در خانواده قرار داده شده که از روی کمال حکمت و مصلحت است. ایشان در سخنان ۵ مرداد ۸۴ خود نیز فرمودند: «تجلیل اسلام از نقش زنان در خانواده به هیچ وجه به معنای منبع فعالیت‌های اجتماعی آنان نیست، اما عده‌ای کهج فهم و عده‌ای مغرض چنین وانمود می‌کنند که در نگاه اسلام، زن یا باید مادر و همسر خوبی باشد و یا در فعالیت‌های اجتماعی شرکت کند. در حالی که حضرت فاطمه زهرا (س) و حضرت زینب کبری (س) مظهر و نمونه یک همسر و مادر خوب و نیز یک زن حاضر در فعالیت‌های اجتماعی بوده‌اند.

آیا برآستی با وجود چنین تعریف و نگاهی به زن از سوی اسلام بالنده و پویا و ارائه الگوهای عینی از حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران، زنان مسلمان منطقه حاضر به پذیرش الگوهای زنان غربی و ارزشهای مورد نظر آنان خواهند بود؟ چه تعداد؟ به چه قیمت؟ و در چه مدت؟ آنچه که بیشتر قابل پیش‌بینی است. ارائه این طرح بدلیل غیرقابل پذیرش بودن

آن در کشورهای اسلامی را تنها می‌توان به عنوان ((فریب بزرگ برای انجام یک عملیات تأخیری)) نام برد.

البته دیگر اهداف و تحولات ممکن با رویکرد نقش زنان در اجرای طرح را در دهه آینده می‌توان به صورت زیر برشمرد:

۱- اسلام زدایی تدریجی با هدف حاکم کردن ارزشها و فرهنگ غربی با محدودیت نقش زنان و تعدیل غرب ستیزی؛

۲- تعدیل برخی محدودیت‌های قانونی برای حضور و مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی؛

۳- انجام برخی رفرمهای سیاسی و ایجاد یک شبه دموکراسی هدایت شده با واگذاری برخی مسئولیتها به زنان؛

۴- ایجاد نهادهای مدنی صوری به منظور جذب و مشارکت افراد و گروههای غرب‌گرا از جمله تشکلهای فمینیستی؛

۵- پذیرش و عضویت برخی کشورها در نهادها و سازمانهای بین‌المللی مرتبط با زنان، از جمله کنوانسیون رفع تبعیض از زنان و کمیته CEDAW و اجرای تدریجی تعهدات آن؛

۶- تغییر در ساختار و نظام آموزش و پرورش با رویکرد آموزش مختلط و تغییرات هدفدار محتوا و متون درسی؛

۷- سست کردن بنیاد خانواده با تضعیف نقش و جایگاه مادری و زن درخانه؛

۸- رواج بی‌بندوباری با آموزش گسترده و توسعه دسترسی به اینترنت بدون محدودیت و فیلترینگ در بین زنان و دختران.

منابع فارسی

۱. سیامک باقری، ۱۳۸۴، پروژه خاورمیانه بزرگ (طرحی در راستای استعمار فرانسوی) اداره سیاسی، صفحه ۱۱۷.
۲. هدف‌گیری ریشه‌ها - همشهری دیپلماتیک شماره ۱۰ - نیمه دوم فروردین ۱۳۸۳.
۳. پیتر بیومن، خاورمیانه، ۱۳۶۹، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، صفحه ۱۱.
۴. حسنعلی احمدی، نهضت، ۱۸/۱۷، طرح خاورمیانه بزرگ، صفحه ۳۴.
۵. میزگرد تحولات جدید ژئوپلیتیک منطقه‌ای و امنیت ملی ایران، فصلنامه خاورمیانه شماره ۱۵-۱۴، صفحه ۴۸.
۶. جهانگیر کرمی، نهضت ۱۷-۱۸ چرا خاورمیانه بزرگ، صفحه ۷۹.
۷. دره میرحیدر، ۱۳۷۰، خاورمیانه و شمال آفریقا، صفحه ۱.
۸. الحیاه ترجمه علی عسگری، روزنامه شرق، ویژه نامه نوروز ۸۳ متن طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا، صفحه ۲۰.
۹. مرتضی مطهری، مقام زن.
۱۰. تمدن توراندخت، جنگ علیه زنان، ۱۳۷۳، صفحه ۱۰.
۱۱. صورت نو، سیرت کهنه، فصل زنان، جلد چهارم، صفحه ۷.
۱۲. غرب و پیامدهای قانونی کردن روسپیگری، کتاب زنان، شماره ۲۱، صفحه ۱۴۳.
۱۳. نشست وزارت امور خارجه.
۱۴. مطالعات، خاورمیانه، ۱۳۶۹، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، صفحه ۱۱.
۱۵. دره میرحیدر، خاورمیانه، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، صفحه ۳۲.
۱۶. پیتر میونت - ترجمه گروه پژوهش‌های آستان قدس رضوی، خاورمیانه و شمال آفریقا.
۱۷. ترجمه علی عسگری، روزنامه شرق - طرح خاورمیانه بزرگ صفحه ۲۰.
۱۸. الحیاه ترجمه علی عسگری، ویژه نامه نوروز ۸۳ متن طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا، روزنامه شرق، صفحه ۲۰.
۱۹. بخش بین المللی - رنج و ایستادگی زن پاکستانی روزنامه اعتماد، شماره ۸۶۷ - ۸.
۲۰. ویژه نامه خ ج، ا، مهر ۱۳۷۹، میلاد کوثر ۳ - صفحه ۱۱.
۲۱. زاهد دینی - کند و کاوی در خاستگاه و میانی کنوانسیون - کتاب نقد - شماره ۳۱ - ۱۳۸۳ - ۳۱.
۲۲. مریم اردبیلی - قتل عام جنین‌ها به سود چه کسی است - کتاب نقد ۱۳۸۳ - شماره ۳۱ صفحات ۶۲ - ۶۳.
۲۳. حسن عباسی - کنوانسیون در تعارض با تفکر دینی - کتاب نقد - ۱۳۸۳ - ۳۱ - ۱۰۰.
۲۴. روزنامه صبح صادق - طرح خاورمیانه در زمین ایران پیش نمی‌رود، دوشنبه ۲۱ دی ۱۳۸۳ شماره ۱۸۵ صفحه ۸.
۲۵. روزنامه کیهان پنج شنبه ۶ مرداد ۱۳۸۴ شماره ۱۸۲۹۱ صفحه ۳.